



«امروز»

زمان انقلابی بودن است

استاد علیرضا پناهیان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زمان بعضی از حرفهای خوب که قبلا زده شده، امروز رسیده است

حرفهای خوب، به ظاهر بی‌زمان و بی‌مکان هستند و نسبت به همه کس رابطه مساوی دارند. اما همیشه اینطور نیست. بعضی از حرفهای خوب زمان دارند، و در آن زمان بهتر شنیده می‌شوند و بهتر درک می‌شوند. چون نیاز آن زمانه هستند و وقتی سخنی مورد نیاز یک زمان باشد، مصرفش در آن زمان بیشتر خواهد شد و اکثر مردم با آن ارتباط برقرار کرده و دلها برای درک و دریافت آن حرف آماده تر خواهد بود.

زمان بعضی از حرفهای خوب که قبلا زده شده امروز رسیده است. مفهوم «انقلابی بودن» با اینکه مصداقش قبلا رخ داده، و حتی حضرت امام زیاد از آن صحبت کرده‌اند، اما امروز زمانش رسیده است. پس از گذشت سی سال از انقلاب، مفهوم انقلاب و انقلابی بودن، مفهومی است که امروز بهتر فهمیده می‌شود، بهتر می‌شود به آن عمل کرد، بیشتر می‌شود قدرش را دانست، و امروز جوان‌ها به دلیل نیاز مبرمی که به این مفهوم احساس می‌کنند، بیشتر با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

از زیر مجموعه های مفهوم انقلاب، امروز می‌توان از مفهوم «انقلابی بودن» به عنوان یک مفهوم تازه، بکر، ضروری، مهم و مفهومی که زمینه پذیرش آن بصورت فراگیری بسیار بالا است، سخن گفت. مفهومی که هم نیاز داریم به آن عمل کنیم و زندگیمان را مطابق آن سامان دهیم، و هم به آن نیاز داریم تا نه فقط با آن زندگی کنیم، بلکه با آن زنده باشیم، جان پیدا کنیم، و از آن لذت ببریم.

گرچه انقلاب سی سال پیش رخ داد، و سخنان انقلابی حضرت امام، این انقلاب را جان داد، ولی آن زمان، هیجانی از انقلاب بود که جلوه‌ای از انقلابی بودن را به نمایش گذاشت. امروز بعد از سی سال بیشتر از گذشته می‌شود عمق این رخداد بزرگ و عمق این مفهوم عمیق را فهمید و از آن لذت برد. انقلاب ۵۷ در واقع پیش‌درآمد و مقدمه مفهوم انقلاب و انقلابی بودن بود. حتی دوران دفاع مقدس هم، پیش‌درآمد مفاهیم و حقایق و اتفاقات بسیار بزرگتری است که در آینده رخ خواهد داد.

برخی از کلماتی که در مقطع انقلاب صادر شدند، مستقیماً در زمان خوشان مصرف نداشتند و عمیق درک نمی‌شدند. باید یک نسل و یک زمانی از آنها می‌گذشت، تا آن کلمات از آن اوج فرود بیایند و موقع عملشان بشود.

در تمام این مدت خیلی‌ها سعی داشتند «انقلابی بودن» را در تاریخ دفن کنند

در تمام این مدت خیلی‌ها سعی داشتند «انقلابی بودن» را در تاریخ دفن کنند. بعضی‌ها فکر می‌کردند که این مفهوم خودبه‌خود در حال دفن شدن است و برای از بین رفتنش جشن می‌گرفتند. خیلی‌ها برای از بین بردنش تئوری‌ها و توجیه‌های مختلفی بیان می‌کردند. یکی از توجیه‌های خیلی رایج این بود که انقلابی بودن، اقتضای آن زمانه بوده و الان دیگر می‌خواهیم در یک وضعیت با ثبات زندگی کنیم، بنابراین بهتر است که هیچکس انقلابی نباشد. انگار انقلابی بودن با زندگی کردن منافات دارد! انگار انقلابی بودن در شرایط به‌ظاهر عادی معنا و لزومی ندارد و جرم تلقی می‌شود! انگار انقلابی بودن با قانونمند بودن منافات دارد! انگار زندگی تعریف تثبیت شده‌ای دارد که در آن تعریف، انقلابی بودن یک مزاحم و یک خار به نظر می‌رسد.

فقط یک نوع زندگی است که ذاتاً با انقلابی بودن مغایرت دارد

در حالی که فقط یک نوع زندگی است که ذاتاً با انقلابی بودن مغایرت دارد. آن هم زندگی گوسفندوار یا به تعبیری گرگ‌وار است. و گرچه این دو برای ما فرق می‌کنند و دو سر یک طیف ممکن است باشند، ولی برای خدا فرق نمی‌کند. خدا هر دو را با هم به جهنم می‌ریزد. آنجا گوسفندصفتان ناله می‌زنند که «این گرگ‌ها به ما ظلم کردند، لاقلاً اینها را دو برابر عذاب کنید.» خدا به آنها پاسخ می‌دهد: «هر دو گروه، دو برابر عذاب می‌شوند. گروه اول چون هم خودشان بد بودند و هم به شما ظلم کردند. و شما هم به دلیل اینکه به ظلم آنها میدان دادید، و جدا از اینکه خودتان نخواستید آدمهای خوبی باشید، راضی شدید گرگ‌هایی شما را بدرند و به واسطه رضایت شما، میدان و قدرت بیشتری برای ظلم پیدا کنند.» (۱)

انقلابی نه گرگ است نه گوسفند. انقلابی نسبت به گرگ‌ها انقلابی می‌شود و از حالت گوسفندوار زندگی کردن نجات پیدا می‌کند. هر کسی، یا انقلابی است یا گرگ یا گوسفند. در این میان، صورت دیگری برای زندگی انسان نمی‌شود تصور کرد. انقلابی کیست؟ کسی که مقابل گرگ‌ها مقاومت می‌کند و گوسفندوار زندگی نمی‌کند.

«انقلابی بودن» جامعه در دوران آرامش، خیلی زیبا و لذت‌بخش است

چقدر لذت‌بخش است که امروز مفهوم انقلاب بهتر درک می‌شود و ضرورت انقلابی بودن بیشتر در جانها موج می‌زند. چون خیلی لذت‌بخش است که انسان در جامعه‌ای زندگی کند که بدون اینکه مقدمات و شرایط پیچیده و بحرانی در خارج از وجود انسان، او را وادار به انقلابی بودن کند، و در شرایطی که انسان‌ها می‌توانند گوسفندوار زندگی کنند، نیاز به انقلابی بودن را احساس کنند. در شرایطی که گرگ‌ها کمی فاصله گرفته‌اند و انسان می‌تواند احساس کاذب امنیت داشته باشد، احساس انقلابی بودن خیلی ارزشمندتر از زمانی است که گرگ‌ها به تو نزدیک هستند و دارند پیراهن تو را پاره می‌کنند. الان که دیگران همه تو را به زندگی بره‌وارانه دعوت می‌کنند، انقلابی بودن زیباست. الان اگر انقلابی باشی معلوم می‌شود که چشم و دلت بیناتر، قند بلندتر و کشیده‌تر، و برای دیدن آن نقاط دوردست از همیشه بیشتر آمادگی پیدا کرده‌ای.

جامعه‌ای که در دوران آرامش، بدون اینکه حادثه خاصی بصورت مستقیم او را تحت فشار قرار داده باشد، احساس نیاز و عطش به انقلابی بودن بکند، جامعه‌ای است که زندگی در آن لذت‌بخش و افتخارآمیز است.

در مورد انقلابی بودن، سوالات فراوانی وجود دارد

در شرایطی که جامعه به ظاهر آرامش دارد، در زمانی که گرگها نزدیک نیستند، در زمانی که نه کسی ما را از چریدن منع می‌کند، و نه کسی ما را مذمت می‌کند، چه ضرورتی دارد ما یک دفعه انقلابی شویم؟ آنگاه اگر انقلابی شویم چه کار خواهیم کرد؟ آیا اوضاع را بهم می‌ریزیم؟ آیا غیرضابطه‌مند عمل خواهیم کرد؟ خشونت خواهیم داشت؟ عوارض انقلابی بودن در زمان ما چگونه خواهد بود؟ اساساً یک انقلابی، چگونه انسانی است؟ ویژگی‌های انقلابی بودن چیست؟ اینها سوالات فراوانی است که باید به پاسخش پرداخت.

شیرینی و جذابیت مفهوم انقلابی بودن، برای جوانان

در این ۲۵ سال گفتگو با مردم، خاطراتی فراوانی را می‌توان مرور کرد، از اینکه اگر کسی بالای منبر و یا در جمعی می‌خواست در مورد انقلاب صحبت کند، چقدر صحبتش دموده و بی‌مزه می‌شد، و چقدر صحبتش پرت و غیر جذاب تلقی می‌شد. حتی در میان کسانی که به سخنرانی معنوی علاقه داشتند هم، استقبال نمی‌شد. ولی امروز اصلاً اینجوری نیست.

من نسبت به زمانه خودمان بسیار خوشبین هستم. فکر می‌کنم که این زمان، زمانی است که مفهوم انقلابی بودن مفهوم بسیار جذابی است. امروز جانها و جوانهای ما به شدت به این مفهوم علاقمند هستند، گرچه ممکن است خودشان دلیلش را ندانند. اما وقتی معنای انقلابی بودن را برایشان توضیح می‌دهی، احساس می‌کنند گمشده‌شان را پیدا کردند. درست است که امروز جوانهای ما به زندگی گوسفندوارانه و به گرگ بودن دعوت و تحریک می‌شوند، ولی با طبع‌شان ناسازگار است. امروز، جوانها تشنه انقلابی بودن هستند.

آنهايي که مي‌گفتند بعد از سي سال جوانها از دست رفتند، و از انقلاب فاصله گرفتند، بيايند امروز جامعه را ببينند. البته آنها بايد خيلي درشت تر واقعيتهار را ببينند تا حقايق را درک کنند، لذا آنها صبر کنند فردا جامعه را ببينند. اما آنهايي که مي‌توانند، همين امروز را ببينند.

آثار انقلابی بودن

پیش از پرداختن به معنای انقلابی بودن، کمی با آثار آن آشنا شویم، تا بتوانیم کمی از این مفهوم لذت ببریم، وقتی لمسش کردیم و از آن لذت بردیم، بهتر معنایش را می‌فهمیم.

۱. انقلابی بودن، مهمترین انگیزه خودسازی معنوی

انقلابی بودن مهمترین انگیزه خودسازی معنوی است. هیچ انگیزه‌ای مثل انقلابی بودن نمی‌تواند انسان را بسوی زندگی عارفانه، و به سوی قله‌های کمال و معنویت سوق بدهد. در دفاع مقدس بود

که بعضی‌ها یک شبه راه صد ساله را طی می‌کردند. دفاع مقدس از حاج احمد متوسلیمان یک انسان بزرگ ساخت. دفاع مقدس جلوه‌ای از جلوات انقلابی گری بود.

انقلابی گری معنویت انسان را رشد می‌دهد. اگر انقلابی نشدید، از خودتان انتظار نداشته باشید عارف بشوید. برای سیر و سلوک الی الله، و برای رسیدن به نقطه کمال چرا خودت را خسته می‌کنی؟ شدنی نیست. اوحدی از مردم استثنائاتی هستند که بشوند کسانی مثل آقای بهجت. او که از ۱۴ سالگی می‌گفت من چیزهایی سرنماز می‌دیدم، فکر می‌کردم همه اینها را می‌بینند.

امام به خوبها و عرفا فرمود: «این وصیتنامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند مطالعه کنید. پنجاه سال عبادت کردید، و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیتنامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید.» (۲)، اینها یک شبه ره صد ساله را طی کردند. (۳) واقعا امام(ره) سخن به گزافه نمی‌گفت. این حرف را با اعتقاد می‌زد، واقعا می‌گفت اینها ره صد ساله را یک شبه طی کردند.

در انقلابی گری می‌شود ره صد ساله را یک شبه طی کرد، و الا ببین کی به مقصد می‌رسی؟ از کجا می‌توان فهمید زمانه، زمانه انقلابی گری است؟ از اقبال روزافزون به معنویت. از میزان حضور جوانان در تشییع آقای بهجت. جوانهایی که یکبار ایشان را ندیدند، و فقط چند خاطره مختصر شنیده بودند. طبیعت نورانی‌شان دارد می‌شکند. این عشق به معنویت نتیجه اش چه خواهد شد؟ این عشق بالاخره بیرون می‌زند و سر به انقلابی‌گری خواهد زد. فقط کافی است اینها بفهمند برای عارف شدن، باید انقلابی بود.

الآن پرجمعیت‌ترین همایشهایی که در دانشگاه‌ها گرفته می‌شود، همایشهایی است که از شخصیت‌های عرفانی سخن به میان می‌آید. شما فکر می‌کنید تا کی این عطش پشت پرده خواهد ماند و رو به سرچشمه معنویت و عرفان نخواهد برد؟

۲. انقلابی، فوق‌العاده مهربان می‌شود

یکی از آثار انقلابی‌گری این است که انسان عارف میشود. یکی از آثار دیگر انقلابی‌گری این است که انسان پس از اینکه انقلابی شد به شدت مهربان می‌شود. چون اگر ویژگی‌های انقلابی را مرور کنیم، یکی از ویژگی‌هایش این است که از خودگذشته است. یک موجود انقلابی، فوق‌العاده مهربان می‌شود. چون انقلابی گری خودخواهی‌ها را می‌کشد.

انقلابی برایش زشت است که برای موفقیت خودش کار کند. یک انسان انقلابی اگر بخواهد برای موفقیت خودش تلاش کند، احساس می‌کند وجودش بوی بد گرفته است. من نمی‌دانم در خاطرات دفاع مقدس، چرا نمی‌گویند اینها انقلابی بودند؟ خوب بودن خیلی کلی است. سراغ شاخص‌های مشخص تر بروید.

انقلابی، برای موفقیت خودش درس نمی‌خواند، انقلابی، برای موفقیت خودش تلاش نمی‌کند. اگر شهید آوینی را در یک کلمه بخواهم توصیف کنم، می‌گویم یک آدم انقلابی. شهید مطهری هم همینطور. شهید مطهری وقتی که می‌خواست کتاب «داستان راستان» را بنویسد یک لحظه فکر نمی‌کرد که در نگاه دیگران، برای استادی که در دانشگاه تهران فلسفه درس می‌دهد، نوشتن کتاب داستان برای کودکان چقدر زشت است. او زشت و زیبایی را برای خودش اصلا نگاه نمی‌کرد. انقلابی بود.

انقلابی تپش قلبش و ضربان قلبش برای جامعه است

انقلابی، تپش و ضربان قلبش برای جامعه است. انقلابی، چون خودخواه نیست، مهربان می‌شود. کسانی که در فیلم‌ها و فیلم‌نامه‌ها دنبال کاراکترهای قدرتمند و مهربان می‌گردند، در واقع دنبال یک انسان انقلابی می‌گردند.

در این برنامه‌ها و کتابهای نیمه پنهان ماه، که بر اساس خاطرات همسران شهدای نام‌آور تهیه شده، این وصف مشترکشان است: یک مهربانی ویژه که بدون هیچ ادا و اطفاری با یک نگاه، سیلی از محبت را سرازیر می‌کردند به خانواده‌شان، در حدی که این سیل آنها را تا ابد می‌برد، و هنوز دارد می‌برد. بدون خیلی از لوس‌بازیها و اداهای بیخودی که ما فکر می‌کنیم.

امروز انسان‌ها، به دنبال مهربانی هستند

آن وقت مردم ما امروز چقدر به مهربانی و مهربان بودن نیاز دارند. دلیل من همه علاقه‌ها و عطش‌هایی است که مردم به فیلمهای عشقی دارند. دنبال مهربانی می‌گردند. نه دنبال بی دینی. مردم که اینقدر بی دین نیستند.

چرا در اوج داستانها یک پیوند را قرار می‌دهند؟ مردم در ارتباط زن و مرد در داستانها دنبال چی می‌گردند؟ دنبال آن لحظه‌ای که این دو مهربانی کردن به یکدیگر را آغاز می‌کنند. آن وقتی که این دو دلشان برای هم نرم می‌شود.

ومردم، بیچاره مهربانی هستند. انسان عبید الاحسان. انسان نوکر مهربانی است. و تا یک ذره نیازهای اولیه و حیاتی او، و امنیت او، تامین شود، در به در دنبال مهربانی می‌گردد. هرکسی دنبال مهربانی نگردد گریه می‌شود، او به جای مهربانی، باید با منفعت خودش را سرگرم کند. همه کسانی که از محبت رویگردان شده‌اند و به منفعت روی کرده‌اند، همه از خود پشیمان و ناراحت هستند. می‌گویند: در زندگی بدی افتاده‌ام. افتاده‌ام در کاسبی. حالم بده. می‌گویم: کاسبی خوبه. می‌گویند: نه. دوران جوانی من دوران با طراوتی بود. دیگر بیشتر نمی‌تواند توضیح دهد. چرا؟ چون دوران جوانی بیشتر دنبال محبت بوده.

مردم کمی آرامش پیدا نکنند، یکی از نیازهای حیاتی‌شان می‌شود مهربانی. و این یعنی امروز مردم آماده‌اند انقلابی شوند. آماده‌اند انقلابی بودن را تحسین کنند.

۳. انقلابی، فوق العاده فعال و پرتلاش می‌شود

یک موجود انقلابی فوق العاده فرز و فعال می‌شود. مقام معظم رهبری امسال از کار مضاعف و همت مضاعف صحبت کردند. کار و همت مضاعف، یکی از اوصاف انقلابیگری است. و یکی از دلایل ما برای اینکه سخن از انقلابی بودن، سخن زمانه است، همین نام امسال است. انسان انقلابی، جدی، پرتلاش و بلندهمت است.

الآن زمانی است که مردم جدی بودن و جمع شدن و به تعبیری، انقلابی بودن را دوست دارند. خلأش را احساس می‌کنند. ذهن بیدار و دل هوشیار این را احساس می‌کند. انقلابیگری آدم را جمع می‌کند و فرز و تیز می‌کند.

آدم اینگونه از زندگی اش لذت می برد. مردم تفریحاتشان را کرده اند، هیجانانگیزان را گذرانده اند، نمایندگانی از ما در ایام تعطیلات نوروز به کشورهای اطراف رفته اند، و بازی های آبی، خاکی، قواصی، موسیقی های تند، و ... را تجربه کرده اند و برگشته اند و خسته به دنبال هیجانات بیشتر می گردند. و هیچ چیز مانند انقلابی بودن، یک هیجان دائمی و اصیل که خسته کننده نیست، در وجود انسان ایجاد نمی کند.

در حدی که تو می توانی بگویی اصلا انقلابی زنده است، بقیه مرده اند و درحال تشییع جنازه خوشان هستند. جنازه خودشان را روی دو پا راه می برند، بدون اینکه ذکر لاله الا الله بگویند. جنازه هایی که دو تا تشییع کننده دارند؛ یکی پای راست و یکی پای چپ، اما هیچ دستی به سر پای این جنازه نمی کوبد، دستها هم آویزان است و حال ندارند بکوبند، مدام به همه می گویند «نگو لاله الا الله».

انقلابی بودن لذتبخش است. انقلابی مهربان است و به فکر دیگران راحت حاضر است در این راه بمیرد، هیچ وقت به ذهنش خطور نمی کند که چرا من؟ چرا دیگری نمیرد و چرا من بمیرم؟ انقلابی گلیم خودش را از زیر پای جامعه نمی کشد، خودش را گلیم می کند و زیر پای جامعه می اندازد. او از زندگی لذت می برد. او یک آدم بزرگ است، و یک فامیل بزرگ دارد. او بخاطر انقلابی گری تمام زندگی را تعریف می کند. او بخاطر انقلابی گری و آرمان های انقلابی اش ازدواج می کند، بخاطر انقلابی گری بچه دار می شود، بخاطر انقلابی گری نام برای بچه اش می گذارد، بخاطر انقلابی گری شغل انتخاب می کند، بخاطر انقلابی گری در شغلش موفق می شود.

زیرا هرکسی با هر استعدادی که دارد، اگر به خاطر انقلابی گری و با روحیه انقلابی، در شغل خودش تلاش کند، حتی استعدادهایش افزایش پیدا می کند، چه برسد به تلاش ها و موفقیت های مضاعف.

چگونه لحظه های زیبای انقلابی بودن را تجربه کنیم؟

از آثار انقلابی گری هرچی بگویم کم گفتیم. از آسمان تا زمین همه چیز برای انقلابیون است. و اما انقلابی به چه کسی می گویند؟ و ویژگیهای یک انقلابی چیست؟ و سوال های فراوان دیگر بماند برای یک جلسه دیگر.

ما تا زمان ظهور باید انقلابی باقی بمانیم. و بعد از ظهور نوع دیگری از انقلابی بودن در وجود ما شعله خواهد کشید که دیدن دارد. اصلا بعد از ظهور ما دیگر انقلابی نیستیم. ما خودمان انقلاب هستیم. ولی لحظه های انقلابی بودن هم لحظه های خیلی قشنگی است، هر کسی در لحظه روضه قرار بگیرد، می تواند لحظه انقلابی بودن را یک ذره تجربه کند. یک دفعه یک شورش و تحرکی در دلها رخ می دهد. برای کسانی که می خواهند به فضا بروند، اتاق هایی را درست می کنند که در آن اتاق ها بی وزنی را تجربه کنند و برای قرار گرفتن در فضا، آمادگی پیدا کنند. اینجا هم هر کس که هنوز روحش در متن انقلاب و اوج انقلابی گری قرار نگرفته، و می خواهد آن فضا را حس کند، برود مجلس روضه، روضه، هدیه و لطف خداوند به ما است. روضه آن لحظه را برای انسان قابل تجربه می کند، آن شوری که به دلها می افتد... آن صحنه خداحافظی، صحنه قابل تحملی نیست، و این انقلاب دائمی حسین است در دلهای ما.

(۱) رک: تفسیر المیزان، ذیل آیه: ... قَالَتْ أُرَاهُم لَأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَوْلَانَا فَاتَيْبُهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَ

لَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ (اعراف/۳۸)

(۲) صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۹۱

(۳) صحیفه امام، ج ۱۸، ص:

- ⚡ زمان بعضی از حرفهای خوب که قبلاً زده شده، امروز رسیده است
- ⚡ در تمام این مدت خیلی‌ها سعی داشتند «انقلابی بودن» را در تاریخ دفن کنند
- ⚡ فقط یک نوع زندگی است که ذاتاً با انقلابی بودن مغایرت دارد
- ⚡ «انقلابی بودن» جامعه در دوران آرامش، خیلی زیبا و لذت‌بخش است
- ⚡ شیرینی و جذابیت مفهوم انقلابی بودن، برای جوانان
- ⚡ انقلابی بودن، مهمترین انگیزه خودسازی معنوی
- ⚡ انقلابی، فوق‌العاده مهربان می‌شود
- ⚡ انقلابی تپش قلبش و ضربان قلبش برای جامعه است
- ⚡ امروز انسان‌ها، به دنبال مهربانی هستند
- ⚡ انقلابی، فوق‌العاده فعال و پرتلاش می‌شود
- ⚡ چگونه لحظه‌های زیبای انقلابی بودن را تجربه کنیم؟